



تربیت شهروندی در دانش آموزان ابتدایی

محمد رضا فتاحی^۱، زهره سعادت مند^۲

Email: Mrfathi52@yahoo.com

چکیده

یکی از مباحث مهم امروز جهان حقوق شهروندی و تربیت شهروندی است مباحث شهروندی به شکل امروزی سابقه تاریخی ندارد، ولی باید اعتراف کرد که طی قرن اخیر مطالب و مباحث آن رشد فزاینده ای داشته است. شهروندی هویت جدیدی به فرد می بخشد که خارج از هویت فردی، خاندانی، قومی، خونی، تباری و شغلی است. بنابراین، شهروندی به وضع رابطه میان شخص و جامعه ای سیاسی به نام دولت - کشور گفته می شود که بر اساس آن، اولی ملزم به وفاداری و دومی موظف به حمایت است.

بی گمان تربیت شهروندان خوب یکی از مهم ترین دل مشغولی های اکثر نظام های تعلیم و تربیت در بسیاری از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه نشان می دهد که مسئولان تعلیم و تربیت در این کشورها با عزمی راسخ و با تدوین برنامه های آموزشی متنوع، تربیت شهروند مناسب را در صدر اقدامات و فعالیت های خود قرار داده اند.

کلمات کلیدی: تربیت شهروندی، دانش آموزان، دوره ابتدایی

۱. مقدمه

مفهوم شهروندی یکی از دیرپاترین مفاهیم سیاسی - اجتماعی است که از دوران یونان باستان تاکنون مورد توجه عده ی کثیری از متفکران سیاسی و اجتماعی قرار داشته است. هر چند ممکن است نگاه نظریه پردازان مختلف نسبت به اهمیت این مفهوم متفاوت باشد اما به هر صورت جایگاه ویژه ی آن در نظام فکر بشر، نشان از اهمیت برجسته ی آن دارد. جالب اینکه، تعلیم و تربیت شهروندی در کانون توجه به کتاب های مهمی نظیر جمهوری افلاطون و سیاست ارسطو قرار گرفته است.

تربیت شهروندی یکی از مهم ترین و چالش زا ترین وظایف نظام آموزشی محسوب می شود، به نحوری که در بسیاری از کشورهای جهان، این فعالیت بخش عظیمی از دغدغه های مسئولان آموزشی را تشکیل می دهد، اما آن چه که در این زمینه در ایران شایان توجه است از یک سو توجه ناکافی به مسائل آموزش شهروندی و از سوی دیگر فقدان نگرش و رویکرد مسئله - محور برای تربیت شهروندی در شرایط بحران است. بی گمان تربیت شهروندان خوب یکی از مهم ترین دل مشغولی های اکثر نظام های تعلیم و تربیت در بسیاری از کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه نشان می دهد که مسئولان تعلیم و تربیت در این کشورها با عزمی راسخ و با تدوین برنامه های آموزشی متنوع، تربیت شهروند مناسب را در صدر اقدامات و فعالیت های خود قرار داده اند.

^۱ دانشجوی دکتری برنامه درسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان اصفهان

^۲ استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان اصفهان



در واقع، مفهوم شهروندی در مسیر تطور تاریخ زندگی بشر متحول شده و در دوران های مختلف تفکر سیاسی، از شهروندی معانی خاص استنباط شده است [۱] اما مفهوم شهروندی تا حد زیادی به شرایط کشور خاص و جامعه ی ویژه وابسته می باشد و هر فرهنگی نیز شهروند ویژه ی خود را می طلبد. جامعه مدنی و مبتنی بر شهروندی ملی برای یک کشور به معنای استقلال اقتصادی، برای کشور دیگر به معنای استقلال سیاسی - اجتماعی یا دارا بودن حق آزادی بیان است. اما شهروندی برای اکثر کشورها به معنای مشارکت مدنی و ارتباط با شبکه های اجتماعی مانند نشست ها و انجمن ها، گروه ها و سازمان ها و ... می باشد. البته با کمی اغماض و نادیده گرفتن تمایزات در یک برداشت عمومی می توان گفت؛ شهروندی مقوله ای است مرتبط با نحوه ی عملکرد افراد به گونه ای که آن ها قادر باشند در یک جامعه مردم سالار، محیط خود و محیط اجتماعی افراد دیگر را به شیوه ای مثبت و برجسته متاثر سازند. [۲]

مدرسه کانال و مجرای موثر برای انتقال مجموعه ای از دانشها، مهارتها، ارزشها و باورهای خاص اجتماعی است. نظام آموزشی فرصت هایی را برای فراگیران تدارک می بیند تا بتوانند ارزش ها و باورهای مختلف را از دیدگاه های متفاوت مورد آزمون قرار دهند. اینکه شهروندان بتوانند از نقش خود آگاهی یافته و به آن ارجح نهند و نیز مشارکتی فعال در مصالح ملی داشته باشند، دلیل محکمی بر این موضوع است که نظام آموزشی باید در زمینه شهروندی به آموزش افراد مبادرت ورزد. شهروندی امری نیست که بعد از فراغت از مدرسه اتفاق بیفتد، بلکه در رفتارها و تعاملات روزانه آموخته شده و تمرین می شود و بهترین مکان برای تمرین شهروندی مدرسه است. به عبارت دیگر، مسئولیت اصلی پرورش و تقویت ارزش ها و مهارت های شهروندی بر دوش نظام آموزش و پرورش است که باید به گونه ای عملی و در جریان ارتباط های دانش آموزان با یکدیگر و با سایر افراد و گروه ها، از آنان شهروندانی فعال و مسئول بسازد [۳] این کار در قالب آموزش مستقیم شهروندی از طریق گنجاندن عنوان درسی به همین نام یا در قالب آموزش از طریق دروس مختلف صورت می گیرد

هوپی لیو (۲۰۰۴)، آراستگی شخصی، دانش محوری در سطح محلی - ملی و جهانی، سخت کوشی، وطن دوستی، تبعیت از قانون، نوع دوستی، مشارکت. فالکس (۲۰۰۱)، مسئولیت پذیری، بسط ارتباطات انسانی، کل نگر، احترام به اصول اخلاقی. سامرز (۲۰۰۰)، تفکر انتقادی، توجه به نفع عمومی، مشارکت در زمینه های سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، درک نیازها و نگرش های دیگران، رفتار متعهدانه ... را مد نظر قرار می دهند [۴]. مهر محمدی نیز در تحلیلی، اندیشه ورزی و ژرف اندیشی، سعه صدر و تحمل اندیشه های مخالف، قانون گرایی و قانون پذیری، احساس خود ارزشمندی، عزت و اعتماد به نفس، تمایل به رقابت سازنده، عدم تمکین به روابط مبتنی بر قدرت مستبدانه، تقویت روحیه پرسشگری و کنجکاوی، تمایل به تفکر خلاق و واگرا در حل مسایل مبتلا به محیط پیرامون، توانایی و جرأت در ابراز اندیشه را از جمله ویژگی هایی می داند که مفهوم شهروندی بر آن ها مبتنی است [۵]

شهروندی هویت جدیدی به فرد می بخشد که خارج از هویت فردی، خاندانی، قومی، خونی، تباری و شغلی است. بنابراین، شهروندی به وضع رابطه میان شخص و جامعه ای سیاسی به نام دولت - کشور گفته می شود که بر اساس آن، اولی ملزم به وفاداری و دومی موظف به حمایت است.

در واقع ویژگی ای که شهروندی را از تابعیت صرف جدا می کند، وجود اخلاق مشارکت و حقوق و مزایای شهروندی است. شهروندی نه صرفا موقعیتی منفعلانه، بلکه موقعیتی فعالانه و تاثیر گذار است. در نگاهی کلی شهروندی حاکی از رابطه ی خاص میان جامعه سیاسی و عضو آن است که بر اساس آن، فرد حقوق و تکالیفی خواهد داشت. پس شهروند بر عضویت و شهروندی بر آن حالتی که از این وضعیت ناشی می شود، دلالت دارد. در نهایت، حقوق شهروندی مجموعه امتیازات و اختیارات ناشی از موقعیت و حالتی است که بر عضویت یک فرد در جامعه سیاسی دلالت می کند. مولفه های حقوق



شهروندی متشکل از حقوق شخصی، اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی است و هر یک از موارد مزبور مصادیق متعددی دارد که باید در جای خود بررسی شود.

آموزش شهروندی چیست؟

منظور از آموزش شهروندی عبارت است از فرایند انتقال دانشها، ارزشها و نگرشهای لازم برای مشارکت و ثبات سیاسی جامعه از یک نسل به نسل دیگر. این انتقال شامل موارد مختلفی نظیر: آگاهی از تاریخ و ساختار نهادهای سیاسی، احساس وفاداری به ملت، نگرش مثبت نسبت به اقتدار سیاسی، باور به ارزشهای بنیادی (مانند حاکمیت قانون و تسامح و تساهل)، علاقه به مشارکت سیاسی و کسب مهارتهای لازم برای فهم سیاستهای عمومی و نظارت بر آنها می شود.

بدین ترتیب، هدف اساسی آموزش شهروندی در هر جامعه ای، انتقال مجموعه ای از دانشها، ارزشها و جهت گیریهای رفتاری ضروری برای دوام و رفاه آن جامعه، به نسل جوان است. لذا آموزش شهروندی به دنبال جلب حمایت جوانان از فرهنگ مدنی جامعه است که این امر از طریق فرایندهای آموزشی تحقق می یابد. [۶] در جوامع اقتدار طلب و خودکامه تعلیم و تربیت شهروندی به شدت در پی القای عقیده حاکم است و حق انتخاب چندانی برای فرد در جهت ابراز مخالفت وجود ندارد در حالی که در جوامع مردم سالار، هدف از تعلیم و تربیت شهروندی، پرورش افرادی است، مسئول، خودآگاه، کارآمد و بالتبع در خدمت اهداف و آرمانهای جامعه.

آموزش و پرورش و شهروندی

شهروندی همان گونه که بیان شد یک فرایند مربوط به تمام عمر است و به همین جهت، همه ی افراد در تمام طول زندگی خود نیازمند آموزشهای متناسب با شهروندی در مراحل گوناگون زندگی هستند. البته این امر زمانی جامه عمل می پوشد که فضای آموزشی جامعه، فضایی دموکراتیک بخود گیرد و این ممکن نیست مگر به شرط استقرار نظام سیاسی مردم سالار (که در آن افراد خود را در مقابل جامعه مسئول و برای عمل به وظایف شهروندی) و در نتیجه برخورداری از حقوق مترتب بر آن آزاد می بینند. در این فضای دموکراتیک، دانش آموزان نیز نیازمند آن هستند که در زمینه های اخلاقی، رشد اجتماعی و دانش و درک درست و عینی از جهان، آموزش می بینند. در تمام تصمیم گیریهای مربوط به خودشان در خانه و مدرسه و جامعه مشارکت کنند و به عنوان یک شهروند، به صورتی فعال در مناسبات اجتماعی متناسب با احوال خودشان قرار گیرند. آموزش و پرورش باید به کودکان و نوجوانان کمک کند تا شهروندانی مسئول، مشارکت کنندگانی فعال در امور زندگی اجتماعی و فرهنگی، یادگیرندگانی موفق و علاقمند و افرادی متکی به خود و قابل اعتماد بار آیند. افرادی که نه تنها ارزشها و ویژگیهای مورد ستایش جامعه را دارا باشند، بلکه بتوانند در راستای بهسازی و ارتقای فرهنگ جامعه تلاش مؤثرتری را به نمایش گذارند. [۷]

در سایه ی چنین برداشتی است که از نظر مربیان بزرگ تعلیم و تربیت... مدرسه نه تنها یک مکان جهت آماده شدن برای زندگی است، بلکه در حقیقت جایی برای تمرین زندگی و تجربه عرصه های مختلف آن است. به عبارت دیگر مدرسه مکانی برای یادگیری حقوق و مسئولیتهای شهروندی است. از این رو آنچه که می تواند رسالت و فلسفه اصلی شکل گیری و توسعه ی مدارس را در دوران کنونی توجیه کند، تربیت شهروندی و به عبارت دیگر عمل کردن مدارس به عنوان <مدرسه ی زندگی> است. در راستای احراز ویژگیهای شهروندی، مدرسه باید مکانی برای تدارک فرصتهای لازم و مناسب برای تجربه و تمرین در عرصه های مختلف زندگی باشد تا از این رهگذار، زمینه های لازم برای برطرف کردن نیازهای فردی، خانوادگی و اجتماعی دانش آموزان فراهم آید... بنابراین مدرسه باید خود زندگی و نمونه و الگویی کوچک از جامعه باشد و در آن دانش آموزان در عرصه های مختلف نظیر حرفه، دین، سیاست، فرهنگ، علم و فناوری، خانواده، بهداشت محیط



زیست، ارتباطات، و مانند آن به یادگیری بپردازند. این چگونگی مستلزم پرداختن هرچه بیشتر به تربیت شهروندی و مهارتهای زندگی در سطح مدارس است. [۷]

حقوق شهروندی از نظر قرآن کریم

قرآن کریم انسان را موجودی صاحب کرامت از جانب خداوند می داند: لقد کرما بنی آدم: همانا فرزندان آدم را کرامت بخشیدیم. این کرامت نظری می تواند بزرگواری های ارزشی و عملی فراوانی به همراه داشته باشد. به سبب همین کرامت باید همه تعالیم اخلاقی و حقوقی با عنایت به این اصل نظری و در سازگاری کامل با آن تنظیم شوند. هنگامی که بپذیریم انسان گوهری کریم و ارزشمند است، خواه ناخواه بر این باور خواهیم بود که نه تنها آزادی، امنیت، و... حق اویند، بلکه باید به گونه ای تفسیر و تنظیم شوند که با کرامت وی سازگار باشند [۸]

در کل، دیدگاه قرآن به شهروندی را می توان در حکومتی که پیامبر(ص) تشکیل داد، مشاهده کرد؛ زیرا پیامبر اعظم با تعالیمی که از قرآن فراگرفته بود، هیئت اولیه امت اسلامی را بنیان نهاد و اندکی بعد به یثرب رفت و یثرب را به مدینه النبی تبدیل کرد؛ مدینه ای که در آن حاکمیت انسان بر سرنوشت خویش بر اساس بندگی خدا و قانون گذاری حق شکل گرفت. با توجه به اهداف هر حکومتی، می توان به حقوق مردم از دیدگاه آن حکومت پی برد. نخستین هدف در حکومت اسلامی مربوط به فرهنگ و ایدئولوژی است، چنانکه پاسخگویی به نیازهای فکری و اعتقادی مردم از مهمترین اهداف پیامبر بوده استپیامبری که بار سنگین را از دوش مردم بر می دارد و بندها و زنجیرهایی را که بر آنان بود، فرو می نهد. بدیهی است منظور از بارهای سنگین آداب و رسوم جاهلی و نیز غل و زنجیرهای فکری و روحی است که بر نیروها و استعدادهای معنوی بشر سایه افکنده است [۹]

حقوق شهروندی از دیدگاه نهج البلاغه

موضوع شهروندی رابطه شهر یا شهروند را با مدیریت شهر یا با دولت و حکومت تبیین می کند. اگر حقوق شهروند از طرف دولت و حکومت رعایت شود و مردم مشارکت کنند حقوق خود را بشناسند، پدیده شهروندی به منصف ظهور می رسد. در یک نگاه مدنیت و شهروندی، با توجه به مبانی ارزشی، انسانی، فطری، آدمی را در رابطه با محیط طبیعی، اجتماعی و فرهنگی متعهد و مکلف می داند. حضرت علی(ع) در این رابطه می فرماید: فانکم مسئولون حتی عن البقاع و البهائم: شما نه فقط در برخورد با انسان ها، بلکه در رابطه با بلاد و سرزمین ها و چهار پایان نیز باید در برابر حق و خلق پاسخ گو باشید [۱۰]

اهداف کلی حقوق شهروندی از نظر امام علی(ع)

۱. نظم بخشیدن به امور سیاسی و اجتماعی مردم و اجرای قانون
۲. رسیدگی به امور مالی و تقسیم عادلانه بیت المال
۳. مبارزه با دشمنان اسلام به منظور برقراری امنیت و آسایش مردم
۴. گسترش آبادانی و توسعه کشور [۱۰]

ویژگی های شهروندی

۱. ویژگی هایی مرتبط با دل مشغولی اجتماعی: شامل علاقه و نگرانی نسبت به رفاه و آسایش دیگران، رفتارهای اخلاقی و پذیرش تنوع



۲. ویژگی های مرتبط با جنبه های مشارکتی - عملی: شامل ایفای مسئولیت های خانوادگی، توانایی بررسی ایده ها و عقاید مختلف، توانایی اتخاذ تصمیمات معقولانه و مشارکت رد مسائل مدرسه یا جامعه محلی
۳. ویژگی های مرتبط با درک و فهم مدنی: شامل آگاهی از حوادث و رویدادهای جاری جامعه و جهان و آگاهی از عملکرد دولت
۴. توانایی برای مذاکره و مشارکت با دیگران، احترام به تفاوتها و تضادها، گوش دادن سازنده به دیگران، توانایی به دست آوردن اطلاعات (از کتابخانه، اینترنت، جلسات عمومی) و بیان عقاید و ایده ها
۵. اطمینان و جرأت برای فراکنشی عمل کردن، داشتن عقاید مستقل، عمل مستقلانه و مسئولیت پذیری
۶. دانش درباره اموری چون نحوه سازمان یافتن جامعه، نحوه عملکرد دولت ملی و محلی، آگاهی از عقاید و دیدگاه های اساسی احزاب سیاسی عمده کشور، ایدئولوژی و فلسفه سیاسی

ضرورت تربیت شهروندی در عصر جهانی شدن

امروزه باتوجه به پیچیدگی عصر جهانی شدن، آموزش و پرورش ایران اگر بخواهد هدایت ملی و نظام ارزشی و مهارتهای شهروندی کودکان و نوجوانان را تحکیم و اعتلا بخشد، باید آنان را برای زندگی در عصر جهانی شدن در قرن بیست و یکم، آماده کند. چرا که جهانی شدن نه فقط براققتصاد و سیاست و مناسبات اجتماعی، بلکه بر فرهنگها و نظامهای آموزشی و هویت مردمان نیز تأثیر می گذارد. به همین دلیل، برنامه ریزی ثمرپخش و نوآوری در آموزش و پرورش زمان ما نمی تواند بدون توجه دقیق و عمیق به تأثیرات جهانی شدن در تعلیم و تربیت کشورها و ملت ها صورت گیرد. فرایند جهانی شدن خصوصیات ویژه ای را برای شهروند قرن ۲۱ می طلبد که می توان آنها را در سه قالب کلی و بدین صورت برشمرد:

- (۱) دانش، مهارت و نگرش جهانی اندیشیدن و عمل کردن
- (۲) دانش مهارت و نگرش دموکراتیک
- (۳) توانایی در کاربرد فناوری اطلاعات

این سه مفهوم به شدت درهم تنیده شده، اثرات متقابل و چندجانبه ای دارند. فناوری اطلاعات باعث نزدیکی سریع و آسان افراد و ملت ها شده است. این امر موجب شده است اگر تا دیروز مردم یک کشور به صورت محلی اندیشیده اند و به نحوه ی عمل دموکراتیک در درون خود می اندیشیده اند، امروزه به اقدام دموکراتیک در سطح جهانی، بین ملتها بیندیشند. فناوری اطلاعات باعث شده است تا جهان در عرصه ی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی به یکدیگر وابسته گردد و این وابستگی، لزوم اندیشه و عمل جهانی را پدید آورده است... در نهایت می توان گفت در قالب جهانی باید به صورت دموکراتیک عمل کرد و ابزار و اندیشه ی عمل دموکراتیک، فناوری اطلاعات است. چرا که باتوجه به فرایند جهانی شدن آینده تربیت به طور جدی متأثر از فناوریهای اطلاعاتی خواهد بود. [۱۱]

ویژگیها و صلاحیتهای مطلوب شهروندی برای جامعه ی ایران

واضح است که نظام آموزشی هر کشوری متأثر از نظام ارزشهای حاکم بر جامعه است و بالتبع تربیت شهروندی نیز باید در راستای فرهنگ و هویت دینی و ملی جامعه، انجام گیرد. در این راستا زندگی شهروندی باید محتوای عینی مرتبط با محیط زندگی ایرانی را که دانش آموز در آن به سر می برد، داشته باشد. از چنین مسیری است که بومی کردن آموزش زندگی شهروندی محلی و ملی میسر می شود و مقدمه ی آموزش شهروندی جهانی را فراهم می آورد. باتوجه به مباحث مطرح شده، یک شهروند مطلوب برای جامعه ی ایران در سه حیطه با قلمروهای خاص و دارای صلاحیتهای معینی می باشد که عبارتند از:



۱) شناخت مدنی. و آن عبارت است از مجموعه ای از آگاهیها، اطلاعات و درک و فهم مدنی که مؤلفه های آن عبارتند از: آگاهی از نحوه ی بدست آوردن اطلاعات، آگاهی از ساختار و نحوه ی عملکرد دولت، آگاهی از دیدگاههای احزاب عمده ی کشور، آگاهی از حوادث و رویدادهای جامعه، آگاهی از قوانین و مقررات اجتماعی و آگاهی از حقوق شخصی و بین المللی.

۲) <توانایی مدنی> که عبارت است از مجموعه ای از مهارتها، قابلیتها و توانمندیهایی که هر فرد برای زیست در جامعه ای که در آن زندگی می کند، به آنها نیاز دارد و مؤلفه های آن عبارتند از: توانایی مشارکت با دیگران، توانایی انجام امور بدون اتکاء به دیگران، توانایی اتخاذ تصمیم منطقی و توانایی رفتار براساس اصول اخلاقی و مذهبی مطلوب.

۳) <نگرش مدنی> که عبارت است از مجموعه ای از طرز تلقی ها، باورها و دیدگاههایی که برای یک شهروند خوب ضروری است و مؤلفه های آن عبارتند از: پذیرش تنوع و تکثر در جامعه و احترام به آن، داشتن اعتقادات و باورهای مستقل، داشتن روحیه ی مسئولیت پذیری، دارا بودن حس وطن پرستی، داشتن روحیه ی بردباری و تحمل، داشتن روحیه ی انتقادپذیری، دارا بودن روحیه ی قدرشناسی نسبت به میراث فرهنگی و هویت مذهبی و ملی.

با عطف به این ویژگیهاست که رسالت سترگ و خطیر آموزش و پرورش در عصر جهانی شدن معنا و مفهوم خود را درمی یابد بنابراین ضروری است تا ضمن توجه به سیاستهای کلی نظام آموزشی، مرحله ی درک و فهم عمیق و دستیابی به شعور تربیت شهروندی و تدارک مدرسه ی زندگی را وجهه ی همت قرار داده، بسترهای لازم را برای توجه هرچه بیشتر به این رسالت سنگین (تربیت شهروند مدنی) نظام آموزشی فراهم نمائیم. [۱۲]

نظام آموزشی مردم سالار لازمه ی تربیت شهروندی

به عقیده ی بسیاری از دانشمندان تعلیم و تربیت، وظیفه آموزش و پرورش، تربیت شهروندانی است که بتواند برای رشد و شکوفایی جامعه ی مردم سالار و تجدید بنای آن تلاش کند... نظام آموزشی مردم سالار، درصدد تربیت نسلی است که بتواند در دنیای پیچیده ی کنونی، هم بر سرمایه ی دانش خود بیفزاید و هم با افزایش قابلیت همبستگی و نقش پذیری خود در ایجاد فضای گروهی که مسئولیت چند جانبه و جمعی به بار می آورد، کوشش نماید در چنین جامعه ای از ما می خواهند که همه با هم برای درک دنیای یکدیگر تلاش کنیم و چشم انداز مشترکی بسازیم که ما را قادر می سازد از یکدیگر بیاموزیم و درحالی که واقعیت کثرت گرایی را حفظ می کنیم بر خود حکومت کنیم. تعلیم و تربیت در جامعه ی اسلامی بر توسعه ی فرایند آموزش مردم سالاری دینی تکیه دارد؛ فرایند پویایی که هم می تواند به حالت انسجام و وابستگی درونی فرد عقل او و کارکردهای اجتماعی او بیندیشد و هم می تواند او را به ارزشهای اخلاقی و اصول اعتقادی که در جهت تکریم مقام و منزلت انسانی قرار دارد، پایبند نماید.

اگر واقفیم که آموزش و پرورش به عنوان رکن تولید آگاهی مدنی دانش آموزان به عنوان عاملان اصلی باز تولید این آگاهی و شناخت، در واقع همان پشتوانه های راهبردی رشد فرهنگ شهروندی و توسعه ی سیاسی کشور به شمار می رود. در این خصوص انتظاراتی از آموزش و پرورش کارآمد و منطبق با نیازهای امروزی هست که عبارتند از:

- ۱) آموزش مفید، اثربخش و کاربردی.
- ۲) تربیت نسل جوان و نوجوان براساس معیارهای مورد قبول جامعه.
- ۳) تسهیل در فرایند جامعه پذیری افراد و یادگیری هرچه بهتر استانداردهای زندگی سالم.
- ۴) هدایت نسل جوان و نوجوان در جهت ترقی و توسعه ی مطلوب.
- ۵) تربیت انسانهای قانونمند، مشارکت پذیر، منظم، مسئول و پرتلاش از طریق نهادینه سازی قانون و پرهیز از زور و خشونت و سلطه گری و جلوگیری از تنش و تن دادن به آن.
- ۶) جا انداختن فرهنگ تحزب گرایی و تمرین مشارکت در اداره ی امور مدرسه و جامعه.



۷) تقویت ایمان، روحیه ی شجاعت، اعتماد به نفس، شکیبایی در برابر مصائب و رنجها، عدالت جویی، وجدان کاری و انضباط اجتماعی، مشورت، تعاون و ایثار. [۱۳]

نتیجه گیری

شهروند کسی است که نه تنها در مجتمعی زیستی (شهر) زندگی می کند و مجموعه ای از قوانین فعالیت های وی و رابطه او با سایر شهروندان، مدیران شهر و کالبد شهر را تنظیم کند، بلکه در مقام مالک شهر (شریک با سایر شهروندان) و تصمیم گیر و موثر در اداره و حیات شهر ایفای نقش کند. یکی از روش هایی که از نظر اسلام و علی (ع) می تواند در توسعه حقوق شهروندی موثر باشد، ایجاد احساس توطن و تعلق تمام ساکنان یک شهر به یک مکان یا مسلمانان به یک دیگر است. مفاهیمی هم چون اخوت، کرامت، حریت، مشارکت و حق و تکلیف مواردی هستند که به رغم تاکید امام علی (ع) در شهرهای کنونی به لحاظ پررنگ شدن مسائل مادی بی رنگ شده اند. اینجاست که نوع شهروندی ای که دموکراسی غربی و تئوری پردازان آن هم چون ارسطو، جان لاک، استوارت میل، هگل و دیویی رواج می دهند، با نوع اسلامی آن فاصله دارد. طبق دیدگاه امیرمومنان (ع) در نهج البلاغه حکومت فقط زمانی اعتبار می یابد که وسیله ای در جهت تحقق اهداف الهی و انسانی و ابزار بر پایی عدالت و رفاه همگانی و حفظ حرمت و حقوق انسانی و بستر تعالی آدمی، که همه از شاخصه های حقوق شهروندی است، باشد. [۱۴]

با توجه به تاثیر اساسی آموزش و پرورش در جامعه پذیر کردن دانش آموزان، آماده سازی نسل جدید برای ایفای نقش شهروندی در جامعه محلی، ملی و جهانی نیز امری است که از این نهاد آموزشی انتظار می رود؛ زیرا ایفای نقش شهروندیمستلزم دانایی، آگاهی و کسب نگرش و مهارت های لازم برای حل مسالمت آمیز مشکلات و چالش هایی است که فرد در زندگی اجتماعی خود با آن برخورد خواهد کرد و از مهم ترین بسترهای کسب چنین شایستگی هایی، نظام آموزش و پرورش هر جامعه است.

منابع و ماخذ

۱. گلشن فومنی، محمد رسول، (۱۳۷۵). جامعه شناسی آموزش و پرورش، تهران، نشر شیفته.
2. Forbes , Janine(2007). **civics and citizenship in action a school story** : Felemington Primary school. www.aec.gov.au
۳. لطف آبادی، ه، آموزش و پرورش شهروندی جهانی و ملی، تقویت هویت و ارزش سیستم دانش آموزان ، ۱۳۸۶، (۱۷)۵، ۴-۷.
۴. کاظمی، محمد و سکینه، واحد چوکده (۱۳۸۳)، شهروندی لازمه شهرنشینی، تبریز: سمینار علمی - تخصصی شهرها و مردم
۵. مهر محمدی، محمود، (۱۳۸۱)، برنامه درسی: نظرگاهها، رویکردها و چشم اندازها، تهران: انتشارات آستان قدس رضوی.
۶. مشارع پور، محمود، (۱۳۸۳)، جامعه شناسی آموزش و پرورش، تهران؛ انتشارات سمت
۷. گلیار، حسین، (۱۳۸۱)، تأثیر آموزش و پرورش در تحقق جامعه ی مدنی و نظام مردم سالاری دینی، تهران؛ انتشارات پژوهشکده ی تعلیم و تربیت.
۸. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۷). فلسفه حقوق بشر، قم: اسراء
۹. ابن تراب، مریم (۱۳۸۵). "حقوق شهروندی از دیدگاه حضرت علی (ع)"، فصلنامه ندای صادق، سال یازدهم، شماره ۴۱ و ۴۲



۱۰. نهج البلاغه (۱۳۸۰). ترجمه محمد دشتی، قم: مشهور.
۱۱. قائدی، یحیی، (۱۳۸۵)، تربیت شهروند آینده، مجله ی نوآوریهای آموزشی، شماره ی ۱۷
۱۲. فتحی واجارگاه، کوروش، (۱۳۸۵)، لحاظ کردن ارزشهای شهروندی در برنامه ی درسی، مجله نوآوریهای آموزشی، شماره های ۱۷
۱۳. فالکس، کیث، (۱۳۸۱)، شهروندی، ترجمه محمدتقی دلفروز، تهران؛ انتشارات کویر
۱۴. پور طهماسبی، سیاووش، تاجور، آذر، حقوق و تربیت شهروندی در نهج البلاغه، پژوهش نامه علوی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، سال دوم، شماره دوم، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، صص ۲۳- ۱.

Archive of SID